

است. یک بنگاه برای تولید محصولی که حدود ۸ تا ۱۵ درصد سود داشته باشد مجبور است به دنبال وامی برود که سود ۳۰ تا ۴۰ درصد دارد(نرخ بهره در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد است) اگر قرار باشد توافقی حاصل شود، این چالش‌های اساسی بنگاه‌ها در تأمین مواد اولیه و منابع مالی باید برداشته شود.

مذاکرات دارای دو بُعد اصلی است: نخست بُعد فنی و مهارت‌های مذاکره و دوم چارچوب سیاست‌ها است. تیم فعلی مذاکره کننده کشور دارای تجربیات ارزشمند و آشنایی کافی با محیط بین الملل است. با این حال، این تیم مذاکره کننده در چارچوبی مشخص فعالیت می کند که حدود اختیارات و اهداف مذاکرات را تعیین می کند. سوال اصلی این است که موضوع مذاکرات دقیقاً چیست؛ آیا هدف مصالحه است یا رفع بخش محدودی از تخاصم‌ها؟ پاسخ در هر دو قسمت منفی است.

در طرف آمریکایی نیز، انگیزه اصلی مصالحه جامع با ایران نیست، بلکه پرداختن به اولویت‌هایی برای رفع برخی چالش‌ها است. در اصل ترامپ به دنبال کسب امتیازهای سیاسی داخلی و دریافت جایزه نوبل است. ارزیابی برخی از سیاستمداران آمریکایی این است که ترامپ قدرت این را دارد که لابی‌های خاص این توافق را به تأیید کنگره و سنای برساند. آمریکا به دنبال توافق است اما نه برای تخصص‌ها بلکه برای دریافت جایزه نوبل. موضوع مذاکره ما بر طرف کردن سایه‌های تخاصم سخت است. همچنین ساختار اقتصادی کشور دستخوش منافع‌ی شده که اصطلاحاً به «کاسبان تحریم» معروف هستند و این منافع در سطح منطقه‌ای نیز توزیع شده است. ساختار اقتصاد به گونه‌ای رقم خورده که هم منافع گروهی وجود دارد و هم تصور می‌شود که منافع ملی وجود دارد. آن گروهی که نفت را قاچاق می‌کنند تصور این است که یک کار ملی انجام می دهند. بنابراین توافق یا عدم توافقی که تنها به رفع محدودیت‌های موقت انجام شود، مورد حمایت این گروه‌ها و ذی نفعان خاص خواهد بود.

علامت و نشانه‌ها حاکی از آن است که دو طرف فعلاً صرفاً به دنبال توافق محدود هستند؛ توافقی که بتواند تنها از برخی تهدیدها نظیر مخاطره هسته‌ای عبور کند و بتواند جایزه نوبل بگیرد. اما به نظر من، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و حتی اعتماد عمومی، این یک فرصت بی نظیر است که همیشه از دست داده ایم ولی اکنون نباید از دست برود. ترامپ یک فرصت است و می توانیم یک توافق انجام دهیم و این فرصت را نباید از دست بدهیم چرا که به مرز فرسودگی رسیده ایم. علت عدم رشد برخی از شاخص‌ها آرایش اقتصاد و موفقیت نیست بلکه رکود است و همه صوری می کنند و منتظر نتیجه هستند. در برجام زمانی اگر تحریرها از بین می‌رفت اکنون ما برنده بودیم و اوضاع متفاوت بود. آن زمان چارچوب خاصی وجود داشت اینکه توافق هسته‌ای می‌کنیم و تحریرهای هسته‌ای برداشته شود. مذاکرات امروز نباید چنین راهی برود و مطالبات ما باید تغییر کند. در گذشته تحریم و مذاکره تجربه شد و اکنون ما باید یک موضوع کار تعریف کنیم و روی موضوع کار توافق کنیم. مطالبات باید فراهستای باشد، رفع تحریرهای موضوعی در حوزه سرمایه گذاری، تجارت، واردات و صادرات، مرادوات مالی و رفع موانع در تسویه ارزی (دلار) به عنوان هدف اصلی دنبال شود. اگر تحریرها به بدین صورت برداشته نشود ذی نفعان تحریرها در داخل و خارج منتفع می‌شوند و مردم همچنان متضرر باقی خواهند ماند. ما نباید به توافق جزئی بسنده کنیم و باید به سمتی برویم که تحریرهای ما از سمت مرادوات مالی حذف شود تا مردم از آن منتفع شوند.

من اعتقاد دارم که حتی بازگشت دوباره آمریکا به میز مذاکره، با همه محدودیت‌ها، امر مثبتی است و نباید این فرصت را از دست داد. هر دو طرف با تردید و احتیاط مذاکره می‌کنند و احتمال شکست نیز وجود دارد. برنامه‌ریزی‌ها باید معطوف به مقدرات واقعی کشور باشد؛ هر چند آرمان‌ها و اهداف کلان اقتصادی نیز نباید از نظر دور بمانند.

ماشین تحریم هاست، ولی اگر به نتیجه برسیم که باید با طرف مقابل مذاکره کنیم، باید توجه داشت که در هیچ مذاکره‌ای تضمین قطعی وجود ندارد. مناسبات کشورها مبتنی بر هرج و مرج و بدون سازمان مرکزی تصمیم گیر، قوه مجریه یا مقننه استثناست. حتی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز نمی‌تواند همیشه الزام قضایی ایجاد کند. ایران بارها علیه آمریکا در این دیوان اقدام کرده اما اجرای احکام آن قطعی و قابل اتکا نبوده است.

بنابراین تنها منبع امید به حل اختلاف، برخی قواعد و احکام بین‌المللی است که راهکار حقوقی در اختیار قرار می‌دهد، اما حتی این راهکارها نیز نیازمند اراده سیاسی و همکاری بین‌المللی است.

اخیراً در مذاکرات، حتی اعضای تیم مذاکره کننده با اشاره به تجربه‌های گذشته تأکید کردند که ضمانت اجرای توافقات فقط برای مدتی کوتاه قابل اتکاست. حتی در برجام نیز اختلاف‌نظر وجود داشت که باید وضعیت اقتصادی ایران به قبل از تحریم‌ها بازگردد. اما دستاوردهای عملیاتی کردن این خواسته‌ها تاکنون محدود بوده است.

در مذاکرات فعلی و آینده، برای تضمین اجرای توافقات و رهایی از وضعیت تحریم، بیش از پیش به ضمانت اجرا در چارچوب حقوق بین الملل نیاز داریم؛ هر چند سازوکارها ناکافی و ضمانت اجرایی بسیار ضعیف است. به‌قول کوفی عنان، دبیر سابق سازمان ملل متحد، حقوق بین‌الملل برای ایجاد بهشت روی زمین شکل نگرفته است، بلکه هدفش این است که از جهنم موجود کمی بکاهد و نباید بیش از تلاش از آن انتظار داشت.

این که می‌توان تولید نفت را افزایش داد، محل تردید جدی است؛ زیرا اقتصاد کشور طی این سال‌ها دچار «فرسودگی و اضمحلال بنیان‌های اقتصادی» شده و فرسودگی سرمایه‌های کشور به حد اضمحلال رسیده است. برای نمونه، ۷۰ درصد گاز تولیدی (۷۰۰ متر معکب) کشور از پارس جنوبی تأمین می‌شود و این میدان بدون سرمایه‌گذاری کافی، ظرف دو سال آینده نیمی از قدرت تولید خود را از دست خواهد داد و به حدود ۳۵۰ متر معکب می‌رسد

در سال ۱۹۹۶ در دوره بوش پسر، این قانون تمدید شد. همچنین دستور اجرایی ۱۳ و ۲۲۴ ابتدا برای موضوع طالبان و القاعده صادر شد و هدف اولیه‌اش ایران نبود، اما پس از فروپاشی این دو گروه، این دستور علیه ایران نیز مورد استفاده قرار گرفت. در دوره ریاست‌جمهوری اوباما، از منظر حقوقی و حجم تحریم‌ها، شدیدترین وضعیت تاریخی پیش آمد. اقدامات صورت گرفته عمدتاً به تحریم‌های ثانویه بازمی‌گشت و در حوزه بانکی و مالی، دستور اجرایی ۱۹۹۵ صادر شد که تمام نظام مالی ایران را تحت تحریم قرار داد. ماهیت این دستور هسته‌ای نبود، بلکه مبنای آن ادعای پولشویی توسط ایران بود و براساس آن، فرض بر این بود که هرگونه اقدام مالی برخلاف قوانین صورت می‌گیرد، مگر اینکه اثبات شود که فعالیت مذکور قانونی است.

پس از امضای برجام، دولت ترامپ در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود از برجام خارج شد و با صدور دستور اجرایی ۱۳۴۶، تمام تحریم‌هایی که طبق برجام رفع شده بود را مجدداً بازگرداند. ادامه این روند، باعث شد که اتفاقات حال حاضر رخ دهد و تلاش‌ها برای بازگشت به وضعیت قبل، به‌ویژه در دوره بایدن، نتیجه‌ای نداشت. در سیاست ترامپ، تمرکز روی ابزار اجرایی بود، اما باید توجه داشت که مهم‌ترین قوانین تحریمی ایران، صرفاً ناشی از دستورات اجرایی نیستند. تا سال ۱۹۹۵ هیچ قانون تحریمی توسط کنگره آمریکا علیه ایران وجود نداشت. از آن زمان به‌بعد، ابتدا این قوانین پیشنهاد، سپس تصویب شد که سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران را محدود می‌کرد؛ به‌ویژه زمانی که دولت ایران پس از جنگ تلاش داشت سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند.

در سال ۲۰۱۰ همین قانون تقویت شده و دامنه آن به‌طرز قابل توجهی گسترش یافت و به قانونی جامع تبدیل شد که ساختار و محتوای آن با سایر قوانین تحریمی تفاوت اساسی داشت. این قانون، تحریم بانکی را امینا قرار داد، سپس به بخش نفت نیز تسری یافت. در متن قانون تصریح شده بود که نظام مالی ایران براساس گزارشات دریافتی، دچار اشکالات است و بانک‌های مرکزی کشورهای دیگر مختار بودند با ایران کار کنند، اما در حوزه نفت نباید از مقدار تعیین‌شده که هر شش‌ماه یکبار مشخص می‌شود، فراتر بروند. در این ساختار، مفهوم تحریم پیش‌رونده شکل گرفت؛ به‌گونه‌ای که تحریم‌ها به‌مرور زمان تشدید شود تا مانع هرگونه توافق پایدار شود.

پس از آن، رژیم تحریم ایران را به رژیم تحریم سوریه گره زدند، سپس به قانون کاتسا، کره شمالی و روسیه نیز تسری دادند. به این ترتیب، مجموعه‌ای از رژیم‌های تحریمی ایجاد شد که ایستگاه آخر آن تحریم کامل صنعت نفت، انرژی، زنجیره تأمین، کشتیرانی و سایر حوزه‌های

سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۸۰۶
www.hammihanonline.ir

حمیدقنبری حقوقدان:

مجوزهای موقت کارساز نیست

کلیدی بود. پس از این مرحله، سایر حوزه‌ها نیز تحت تحریم قرار گرفتند و حتی راهکارهای دوزدن تحریم‌ها نیز مانند صدور صورت‌حساب جعلی، مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از این اقدامات تکراری و در عین حال تشدیدی بودند و از این نقطه به‌بعد، ماهیت تحریم‌ها فلج‌کننده شد؛ بدین‌معنا که هدف صرفاً متوقف کردن توسعه نبود بلکه فلج کردن اقتصاد کشور و کشاندن ایران به پای میز مذاکره بود.

برداشته‌شدن تحریم‌ها مستلزم طی روال‌هایی طولانی است. برای مثال، بازگرداندن پول‌های بلوکه‌شده از چند هفته تا چندماه و گاهی چندسال زمان می‌برد که ایران بتواند آنها را آزاد کند؛ حتی پس از توافق، دریافت پول صادرات یا آغاز دوباره فروش نفت نیز مستلزم فرآیندهای حقوقی و بانکی پیچیده‌ای است. برای ایجاد روابط کارگزار ی بانکی، گاه تا شش‌ماه تا یک‌سال زمان مورد نیاز است و وصل شدن به سوئیفت نیز روندی زمان‌بر دارد. همچنین آغاز مذاکرات برای انتشار اوراق قرضه بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز فرآیندهایی چندساله است.

ساختار تحریم‌ها طوری است که حتی با لغوبرخی دستورات اجرایی یا صدور مجوزهای موقت توسط رئیس‌جمهور، قوانین اصلی همچنان پابرجا می‌مانند. براساس قوانین تحریمی، تنها راه اساسی لغو تحریم این است که یا رئیس‌جمهور آمریکا هر ۳ یا ۶ یا ۱۲ ماه یکبار گواهی دهد که علت تحریم مرتفع شده، یا قانون به‌کلی لغو شود که این امر عملاً غیرممکن است. لذا حتی با صدور مجوز رئیس‌جمهور، تنها نام ایران از فهرست مشمولان تحریم خارج می‌شود، اما مقررات و ساختار تحریم سر جای خود باقی می‌ماند.

تجربه دوره برجام نشان داد که حتی با برداشتن نام بانک مرکزی، بانک ملی، شرکت نفت و سایر نهادهای اقتصادی مهم ایران از فهرست تحریم، هنوز ساختار اصلی قوانین و مقررات پابرجا بود و در عمل، جذب سرمایه و بازگشت طبیعی روابط بانکی و مالی بین الملل دشوار و تدریجی بود. همچنین روندهای پیش‌رونده در قالب به‌روزرسانی و تشدید تحریم‌ها، توافقات را ناپایدار و موقتی ساخته است؛ به‌گونه‌ای که حتی در صورت انعقاد توافق، پس از مدتی قوانین دیگر دست مسئولان آمریکایی را برای اعمال فشار و بازگرداندن تحریم‌ها باز می‌گذارد.

تجربه ثابت کرده است که دستیابی به یک توافق جامع و پایدار برای رفع کامل تحریم‌ها، به‌واسطه ساختار پیچیده و چندلایه قوانین آمریکا دشوار و در بسیاری موارد غیرممکن است. بهترین راهکار، کاهش انتظارات حداکثری، حرکت به سوی توافقات کوچک‌تر با دستاوردهای مشهود و بهره‌گیری از نقش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است تا بتوان امتیازاتی را اخذ یا تبادل کرد. این راه با وجود زمان‌بر بودن فرآیندها و چالش‌های متعدد، واقع‌بینانه‌ترین مسیر در شرایط پیچیده فعلی به‌شمار می‌رود.



رویداد



نه به مداخله‌گری دولت در بازار

نمایندگان بخش خصوصی در کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران در نشست بیست‌وسوم خود میزبان دکتر موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان و نظریه‌پرداز اقتصادی، بودند و در حضور او به مسئله نحوه مواجهه درست بخش خصوصی با مداخله‌گری دولت و اصول مطالبه‌گری درست از دولت پرداختند. موسی غنی‌نژاد، اقتصاددان در این نشست با اشاره به موضوع «راهبردهای بخش خصوصی در رابطه با مواجهه با مداخله‌گری نهاد دولتی» تأکید کرد که در این میان باید بین مطالبه‌گری مشروع بخش خصوصی با رانت‌خواهی و رانت‌جویی تمایز قائل شد و دقت داشت که در نقد مداخله دولت و مطالبه‌گری از دولت در دام رانت‌خواهی نیفتاد. او با اشاره به جایگاه دولت مدرن در نظام اقتصادی عنوان کرد که در اندیشه مدرن، وظیفه نهاد دولت، تضمین حقوق مالکیت، ایجاد امنیت و ثبات اقتصادی است و ایفای نقش بیش از این موارد مصداق مداخله‌گری است که نه‌تنها به رشد اقتصاد ممکن نمی‌کند که مانع رشد و توسعه می‌شود.



تأمین ۱/۴ میلیارد دلار ارز دارو

از ابتدای امسال تا پایان ۱۸ خردادماه، در مجموع بالغ بر یک میلیارد و ۴۱۰ میلیون دلار برای واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی تأمین ارز صورت گرفت. به گزارش مهر، طبق بودجه سه ماهه مصوب شده و در صورت تخصیص ارز از سوی دستگاه‌های مرتبط، می‌بایست برای سه ماه اول امسال ۸۰۰ میلیون دلار ارز تر جیحی و ۴۰۰ میلیون دلار نیز ارز غیرتر جیحی برای واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی تأمین ارز صورت می‌گرفت که به‌رغم کاهش تأمین بودجه ارز تر جیحی از سوی دستگاه‌های مربوطه، با تمهیدات بانک مرکزی و دستور رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر اهمیت موضوع سلامت مردم، از ابتدای سال تا پایان ۱۸ خردادماه بیش از ۵۲۵ میلیون دلار ارز تر جیحی و ۵۲۰ میلیون دلار ارز غیرتر جیحی (بیشتر از هدف سه‌ماهه) توسط بانک مرکزی تأمین شده است.



واردات برنج را متوقف کنید

دبیر انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج باارسال نامه‌ای خطاب به‌معاون اول رئیس‌جمهور ضمن هشدار در خصوص توقف واردات برنج، خواستار تخصیص ارز جهت پرداخت معوقات واردکنندگان برنج شد. به گزارش مهر، مسیح کشاوز، دبیر انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج ایران با ارسال نامه‌ای خطاب به معاون اول رئیس‌جمهور ضمن هشدار در خصوص توقف واردات برنج، خواستار تخصیص ارز توسط بانک مرکزی جهت پرداخت معوقات واردکنندگان برنج شد و همچنین تأکید کرد با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور و عدم امکان پرداخت ارز تر جیحی برای واردات برنج، پس از پرداخت مطالبات معوق، نوع ارز واردات برنج از ارز تر جیحی به ارز تالار مبادله تغییر کند. او در این نامه توضیح داده است، معطلی و تأخیر چندماهه تخصیص ارز تر جیحی برای واردات برنج موجب افزایش هزینه خرید اعتباری برنج شده است که در نهایت موجب شده قیمت تمام‌شده واردات برنج معادل بهای ارز با قیمت آزاد شود، چراکه هزینه‌های تأخیر را تجار باید متقبل شوند.

۱۱

مهرشهر

سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۸۰۶
www.hammihanonline.ir

نگاه حقوقدان / ۲

سعيد عقیقی - رئیس ثبت اسناد و املاک